

# تورم، آزادی و مالکیت

دکتر غلامحسین عبیری

## مقدمه

افزایش مستمر سطح عمومی قیمت‌ها را تورم نامند. از جمله تئوری‌هایی که علت تورم را مورد بررسی قرار می‌دهند، تورم ناشی از تقاضا (Demand Pull) و تورم ناشی از فشار هزینه (Cost Push) را می‌توان نام برد<sup>(۱)</sup>. از سوی دیگر، مالکیت، حقوقی است که برای فرد در بازار قایل می‌شویم تا وی در جهت خرید، فروش یا نگهداری سرمایه، زمین و بنگاه‌های اقتصادی با توجه به قیمت‌های بازار، آزادی عمل لازم را داشته باشد.

روند رابطه مبادله تجاری بین کشورهای صنعتی و در حال توسعه، با اتخاذ سیاست‌های ضدتورمی از سوی کشورهای صنعتی، رویارویی کشورهای در حال توسعه با تورم وارداتی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. این فرآیند، بیش از سی سال به طول انجامیده است و امروز معضلاتی را پیش روی کشورهای فقیر و غنی قرار داده که زندگی اجتماعی مردم را به مخاطره انداخته است. معضل بیکاری و مهاجرت نیز از جمله عوامل نگران‌کننده ناشی از این رویارویی ملت‌ها بشمار می‌روند.

آنچه نگارش این مقوله را الزامی می‌سازد، همانا موضع تضعیف شده «مالکیت» است. در واقع، چشم‌انداز مطلوبی از اقتصاد جهانی در پیش‌روی ما قرار ندارد و لازم است که بازنگری اساسی در این

خصوص صورت گیرد.

از ساختارهای مدافع حقوق مالکیت، نظام بانکداری را می‌توان نام برد، نظامی که در شکل دهی تورم مستقیماً تأثیرگذار است. آنچه در زیر ملاحظه می‌کنید، ملاحظات مربوط به رابطه بین تورم و مالکیت است. به عبارتی، کشورهای در حال توسعه در فرآیند جهانی شدن اقتصاد با معضل مالکیت روبرو

○ فساد اقتصادی، مفاسد عذیبه‌ای را به حوزه اجتماع و سیاست تحمیل کرده و انسجامی آن در تشدید عدم تعادل اقتصادی مؤثر واقع شده و سیکل معیوبی را بر پدیده جامعه برقرار کرده است.

○ سه دهه تورم پیوسته، مشروعیت مالکیت را در مخاطره قرار داده است.

هستند. به عنوان نمونه، بنیاد بین‌المللی Heritage اخیراً در ارزیابی اقتصاد ایران، کم‌ترین نمره را به مالکیت داده و سطح آنرا تا سطح بازار سیاه غیررسمی، اما فعال کاهش داده است. مبارزه با قاچاق و نارسایی‌های بازار کار نیز به شدت مورد توجه مسوولان و کارگزاران سیاسی قرار دارد و متأسفانه

ارزیابی در خصوص روند مالکیت با ابهامات گسترده‌ای روبرو است. در گزارش سال ۲۰۰۲ وال استریت ژورنال تحت عنوان «آزادی اقتصاد» کشور ایران در بین کشورهای جهان رتبه یکصد و چهل و ششم را بدست آورده است<sup>(۲)</sup>.

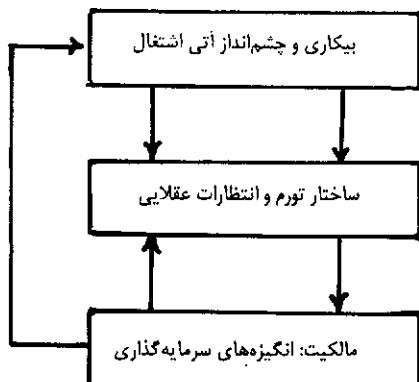
## رویارویی با واقعیت

روند سه دهه همکاری نظام بانکداری در حمایت از افزایش سطح قیمت‌ها در اقتصاد ایران، عملاً رفتار و فرهنگ مردم را دگرگون ساخته است؛ روابط اقتصادی مردم طی این مدت به شدت آسیب دیده، اعتماد از میان مردم رفته و عملاً سایه هزینه‌های فرصت از دست رفته، نظامات اخلاقی جامعه را تحت الشعاع قرار داده و فضای روابط تجاری مردم روز به روز مسموم‌تر می‌شود. شاخص چک‌های برگشتی، و نوسانات نرخ بهره غیررسمی بازار پولی از جمله دستاوردهای این بحران است. فضای تجاری نیز روز به روز محدودتر می‌شود و دامنه اختلافات به افراد خانواده و نزدیکان کشیده شده است. کلاهبرداری و تزویر، جای امانت‌داری و امین بودن را پر کرده و درصد بالایی از حجم فعالیت‌های انتظامی و قضایی مصروف این گونه کجروی‌های اقتصادی شده است.

به طور غیرمستقیم، دامنه تورم، اثرگذاری‌های نامناسبی را در حوزه مسایل اجتماعی و سیاسی بوجود

نمودار شماره یک

### بیکاری، تورم و مالکیت



فقدان انگیزه‌های سرمایه‌گذاری، ناشی از کمبود توجه به جایگاه مالکیت در اقتصاد است. تورم و انتظارات عقلایی مردم از ادامه وضعیت رکود تورمی، بازارهای پولی را نامتعادل نموده و چشم‌انداز نامطلوب اشتغال در کشور، روند بیکاری را سرعت بخشیده است.

همانطور که ملاحظه می‌کنید، سیاست‌های مالی و پولی به ترتیب روی انگیزه‌های سرمایه‌گذاری و تورم اثر گذاشته‌اند و از آنجا که این سیاست‌ها باید روند اصلاحات اقتصادی را سرعت ببخشند، لذا نگرش ما به دستگاه‌های آرایه‌کننده سیاست‌های مالی و پولی می‌بایست با تغییرات اساسی روبرو شود. نقش‌هایی را که این سازمان‌ها در دهه‌های گذشته ایفا نموده‌اند، برای اهداف آتی ساختار در حال انتقال اقتصاد کارساز نیست و بازنگری اساسی در آنها اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

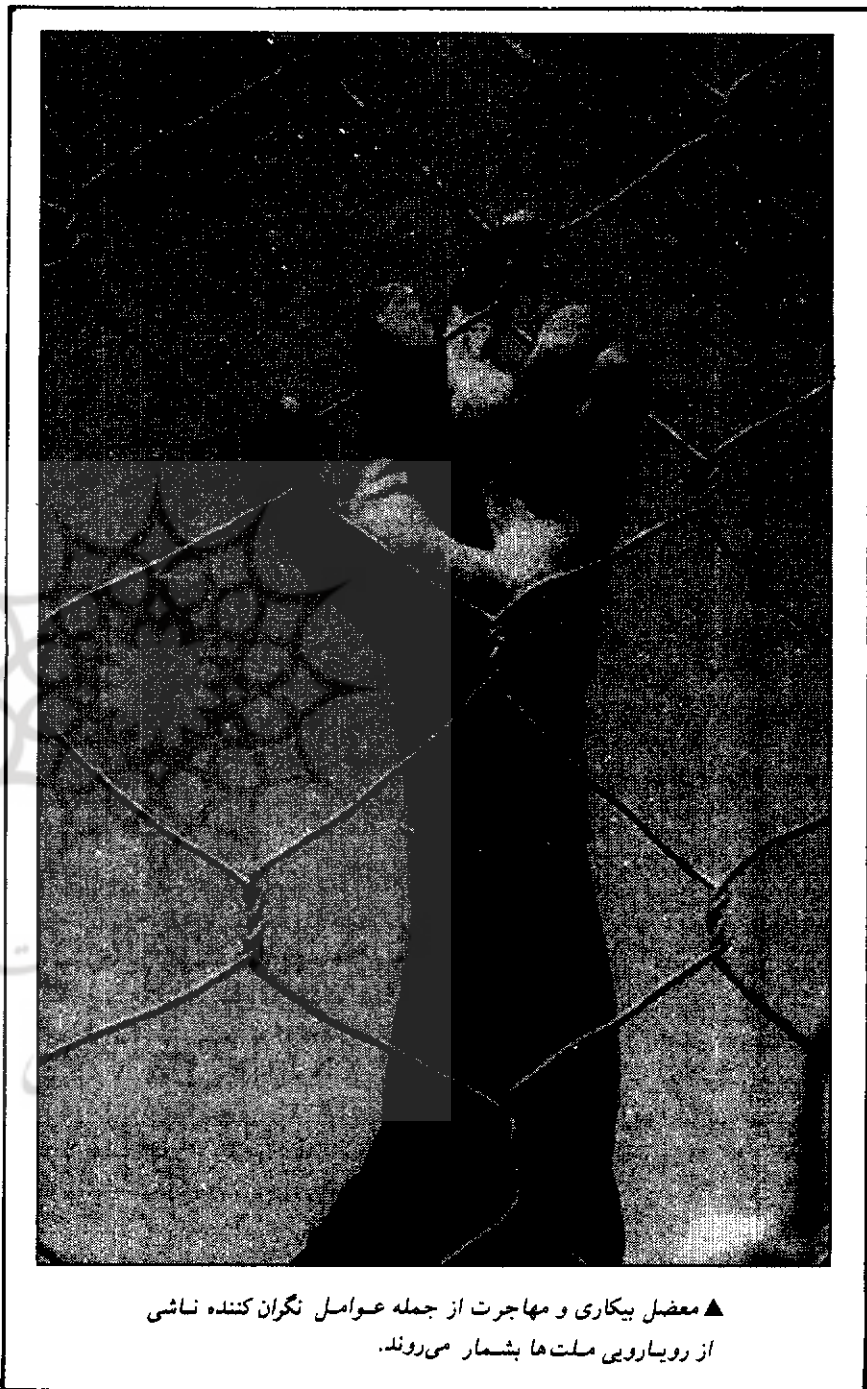
### ساختار تورم

عوامل عدیده‌ای موجبات افزایش قیمت کالاها را در بازار فراهم می‌کنند. افزایش تقاضای ناشی از کثرت جمعیت خود عامل مهمی برای ایجاد تورم در بازار می‌باشد. افزایش هزینه‌ها و کسر بودجه دولت نیز می‌تواند روند تورم را تشدید نماید. Milton Friedman معتقد است که تورم همیشه و در همه جا یک پدیده پولی است. افزایش تورم، کمبود پول را به همراه دارد و با افزایش نرخ عرضه پول، قیمت‌ها سریع‌تر رشد می‌کند. نهایتاً نظام پولی سقوط می‌کند. این تجربه را آلمان و روسیه به ترتیب در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۹۰ پشت سر گذاشتند.

در عصر حاضر، تورم محصول افزایش عرضه پول است و تجربه قیمت نفت در سال‌های ۱۹۷۰ افزایش هزینه‌ها را به دنبال داشت. در این رابطه، کلیدی‌ترین عامل موفقیت را می‌توان استقلال بانک

داده است. پایین آمدن شاخص بهره‌وری، نماد مناسبی از توضیح این چرخه معیوب می‌باشد. این نارسایی، انگیزه‌های سرمایه‌گذاری را در بخش خصوصی به شدت محدود ساخته و در حد یک فعالیت

آورده است. به عبارتی، فساد اقتصادی، مفاسد عدیده‌ای را به حوزه اجتماع و سیاست تحمیل کرده و انعکاس آن در تشدید عدم تعادل اقتصادی مؤثر واقع شده و سیکل معیوبی را بر بدنه جامعه برقرار کرده



▲ معضل بیکاری و مهاجرت از جمله عوامل نگران‌کننده ناشی از رویارویی ملت‌ها بشمار می‌روند.

ساده و غیرخلاق باقی مانده است. نماد این پدیده رفتاری را در روند افزایش بیکاری شاهد هستیم. در نمودار شماره یک وضعیت بیکاری، تورم و مالکیت و ارتباطات فیما بین را ملاحظه می‌کنید.

است. در حال حاضر، شرایط نابسامان جامعه، نارضایتی گسترده‌ای را در کلیه سطوح جامعه ایجاد کرده و علایق، انگیزه‌ها و وجدان مردم را هدف قرار

مرکزی دانست. در کشورهای با تورم پایین مانند آلمان و ژاپن، بانک مرکزی درباره حجم پول و نرخ بهره تصمیم‌گیری می‌کند و از دولت در این خصوص مشاوره‌ای را دریافت نمی‌دارد و بر عکس، در کشورهای با تورم بالا مانند انگلستان و ایتالیا، بانک مرکزی مستقیماً دستورات دولت را در خصوص نرخ بهره و رشد عرضه پول دریافت می‌کند.<sup>(۴)</sup>

بدیهی است که شرایط کشورهای صنعتی را نمی‌توان با کشورهای در حال توسعه مقایسه کرد، به ویژه اگر کشور در حال توسعه در زمره کشورهای صادرکننده نفت هم باشد. در مورد ایران با شرایط بحرانی و تضادهایی که در خصوص مسوولیت‌پذیری وجود دارد، بخشی از صاحب نظران معتقدند که استقلال فکری و عملیاتی بانک مرکزی، نقطه قوتی برای برنامه‌ریزان به شما می‌رود. طبیعت این بیش، ضرورت هارمونیک نمودن بین رفتار سیاست‌های مالی و پولی و اصلاح ساختار را به دنبال خواهد داشت. ساختارهای اقتصاد دولتی باعث شده است که دامنه تأثیرات سیکل‌های تجاری بر تورم مورد شناسایی قرار نگیرد. به عبارتی، قوانین عرضه و تقاضا نمی‌توانند چهره اصلی خود را بر روند تخصیص منابع نشان دهند. این پدیده اثر بخشی اصل مطلوبیت را برای مصرف‌کننده و سودآوری واقعی را برای تولیدکننده، بر رفتار متقاضی و عرضه‌کننده کاهش می‌دهد.

تورم اگرچه با افزایش سطح شاخص قیمت مصرف‌کننده (CPI) تعیین می‌شود، اما در عمل، به تغییر قیمت‌ها با نرخ‌های رشد متفاوت منجر می‌شود. سطح قیمت‌ها و نرخ تورم مستقل از قیمت‌های نسبی (Relative Prices) تعیین می‌شود.<sup>(۴)</sup>

قیمت نسبی، نسبت قیمت یک کالا به قیمت یک کالای دیگر است. در عمل، تورم باعث می‌شود که قیمت نسبی کالاها تغییر کند و این تغییرات عملاً ساختار فعالیت‌های مردم را در کل فرآیند مشاغل مختلف دگرگون می‌سازد. از آنجا که این تغییرات در طول زمان به وقوع می‌پیوندد و در درازمدت تحولات دانش فنی روی ساختارهای اقتصادی اثرات متفاوتی را به دنبال دارد، لذا اثربخشی تورم و تغییرات دانش فنی موجود چندان روشن و شفاف نیست. بنابراین، نمی‌توان تصویر درستی از نتایج را پیش روی کارگزاران قرار داد.

سرمایه‌ها در شرایط تغییر نسبی قیمت‌ها، از یک بازار به بازار دیگر به حرکت در می‌آیند. این تغییر رفتار سرمایه، با ریسک و عدم اطمینان روبرو است. گسترش این عدم اطمینان در بازارهای مختلف، مالکیت را با بحران روبرو می‌کند.

شرایط اقتصادی ایران با سه دهه تورم در یک اقتصاد برنامه‌ریزی شده، تعادل در بازارها را به هم ریخته و بازار سرمایه هم بیشتر از بازار کالاها آسیب دیده است. این آسیب‌پذیری، مالکیت را در ساختار اقتصاد کشور به زیر سوال برده است. انتظارات مردم از مالکیت بیشتر از آن چیزی است که جامعه تضمین می‌کند. از اینرو، راکد ماندن سرمایه خود رکود اقتصادی را به دنبال دارد که آنهم تورم را تشدید می‌کند. دولت‌ها نیز در روبرویی با این پدیده، به سیاست کسر بودجه متوسل می‌شوند و غالب مردم از این ترس دارند که کسر بودجه دولت به تورم منجر شود. پاسخ این پرسش که آیا کسر بودجه به تورم منجر می‌شود یا خیر؟ به روش تأمین مالی کسر بودجه بستگی دارد.<sup>(۵)</sup>

در حقیقت، مشروعیت مالکیت با تورم زیر سوال رفته است. عوارض این تورم مزمن چگونه جامعه را دگرگون خواهد ساخت، موضوعی است که نباید به آسانی از کنار آن رد شد.

### سرمایه‌های کوچک

در شرایطی که سالانه پنج هزار شرکت، در

مالکیت شرکت‌های تولیدی کوچک در معرض خطر قرار دارد و به علت توان رقابتی محدود، نمی‌توانند تعادل خود را حفظ کنند.

شرایط اقتصادی - سیاسی ایران، ورشکسته اعلام می‌شوند، بررسی مطرح می‌شود که آیا علت این ورشکستگی‌ها می‌تواند اندک بودن سرمایه‌های این شرکت‌ها باشد؟ تحقیقات نشان می‌دهد که بیش از ۷۰ درصد از اعتبارات اعطایی به کارگاه‌های کوچک صنعتی دچار استمهال می‌شوند! به راستی، این سرمایه‌ها چگونه از فعالیت‌های تولیدی بیرون رانده می‌شوند؟ رقابت آنها را از پای در می‌آورد یا تضادها (Conflicts) این سرمایه‌ها را به بیراهه هدایت می‌کند؟

آنچه مسلم است، مالکیت شرکت‌های تولیدی کوچک در معرض خطر قرار دارد. این شرکت‌ها توان رقابت محدودی دارند و در مقابل بنگاه‌های بزرگ اقتصادی مورد حمایت دولت نمی‌توانند تعادل خود را حفظ کنند. تعرفه‌های اعمال شده روی واردات نیز نتوانسته است تضمینی برای ادامه حیات اقتصادی این شرکت‌ها باشد. بحران‌های اجتماعی نیز ادامه مشارکت صاحبان سرمایه را در این شرکت‌ها با دشواری روبرو کرده است. شرکای قدیمی در برابر

تغییرات اجتماعی، ضرورت بازسازی و نوسازی محیط خانوادگی خود را در اولویت قرار داده‌اند. این امر ادامه تلاش برای احیای شرکت را بی‌فایده ساخته و اعتبارات دولتی نیز عملاً در چرخه بوروکراسی بانکداری دولتی از یکسو، و مقررات واردات و صادرات از سوی دیگر، فرآیند نوسازی شرکت را مختل ساخته است. فقدان اطلاعات کافی و عدم دسترسی به تجزیه و تحلیل شرایط، صاحبان این شرکت‌ها را به انزوای کشانده است.<sup>(۶)</sup>

بحران اصلی در رابطه با هویت مالکیت است. بازار مسکن بخش قابل توجهی از سرمایه صاحبان سرمایه را از گردونه تولید خارج کرده است، ورود ماشین آلات مدرن، روش‌های تولید قدیمی را کنار زده است، عدم هماهنگی بین رفتار سرمایه در بازارهای مختلف عملاً نقش مالکیت را در ایجاد رونق اقتصادی از میان برده است. به عبارت ساده‌تر، بازار سرمایه، سرمایه‌های کوچک را از بازی اقتصادی خارج می‌کند و این سرمایه‌ها در اثر خروج از یک بازار، به سوداگری و سفته‌بازی روی می‌آورند. استقبال از این سرمایه‌ها، ناشی از توهم پولی ناشی از تورم است. این سرمایه‌ها اگرچه با ریسک بالا روبرو هستند، اما در عمل، بخش قابل توجهی از قدرت و توانایی نیروهای انتظامی و قوه قضاییه را از مسیر فعالیت‌های اصلی خود دور می‌سازند. این هزینه‌ها هم در افزایش هزینه‌های دولت تأثیر گذاشته، موفقیت دولت را در مهار اقتصاد با ابهام روبرو می‌سازند.

تورم، مشروعیت سرمایه‌های کوچک را با خطر روبرو کرده است. اگرچه تورم، ارزش اسمی دارایی‌ها را بالا برده، اما بازگشت سرمایه بسیار ناچیز بوده و لذا ارزش اسمی دارایی‌ها را توجیه نمی‌کند. برای مثال، اگر یک شرکت تولیدی ده میلیارد ریال ارزش دارد، بازگشت سرمایه منعکس‌کننده مطلوبیت دارایی ده میلیارد ریالی نیست. این معما پرسشی را پیش روی ما قرار می‌دهد که این روند با چه توجیهی ادامه می‌یابد؟ پاسخ مناسب این است که صاحبان این سرمایه‌ها انتظارات زیادی از بازگشت سرمایه نداشته و تنها حفظ و نگهداری سرمایه برای آنان کافی به نظر می‌رسد. این انگیزه، مشخصه اصلی تعریف پول‌های کنیف است.

در واقع، تورم، زمینه نفوذ پول‌های کنیف را به سرمایه‌های مردم هموار نموده و خطرات جدی را برای مالکیت فراهم آورده است. این بحران با نفوذ بازارهای مواد مخدر، اسلحه و کالاهای قاچاق تشدید شده است. در عمل، سرمایه‌دار انگیزه‌های سرمایه‌داری را از دست داده و لذا رونقی در اقتصاد بوجود نخواهد آمد.

## آزادی و مالکیت

مالکیت، مشروعیت خود را از آزادی کسب می‌کند و با جست و جوی ثروت همخوانی ندارد. پاسداری از مالکیت، وظیفه دولت و مردم است. اما نکته اصلی در برسمیت شناختن مالکیت از سوی فرد یا سازمانی خاص نیست. مکاتب مختلف هسته اصلی تغییرات را در شکل مالکیت خلاصه می‌کنند. Hofstadter (۱۹۴۲) در تبیین آزادی، این حقیقت را بیان می‌کند که آزادی نه با دموکراسی، بلکه با مالکیت پیوند خورده است (۲). اما مالکیت از نظر

اجتماعی را در هم ریخته و مشروعیت‌های نامطلوبی را به حوزه فعالیت‌های اقتصادی تحمیل کرده است. نرخ‌های بهره سنگین، سرمایه‌های بادآورده و قیمت‌های کاذب، بخش کوچکی از عدم مشروعیت ساختار اقتصادی را منعکس نموده است. ارتش، فروش اجزای بدن و صادرات میراث فرهنگی آلوده‌ترین شکل توهین به سرمایه‌داری هستند. در این شرایط، ادامه سیاست‌های تورمی به منظور حفظ ظاهر نظام اقتصادی، مصیبت‌های بیشتری را برای حیات جامعه به دنبال خواهد داشت. این نابسامانی تاکنون جامعه را با شکست روبرو کرده

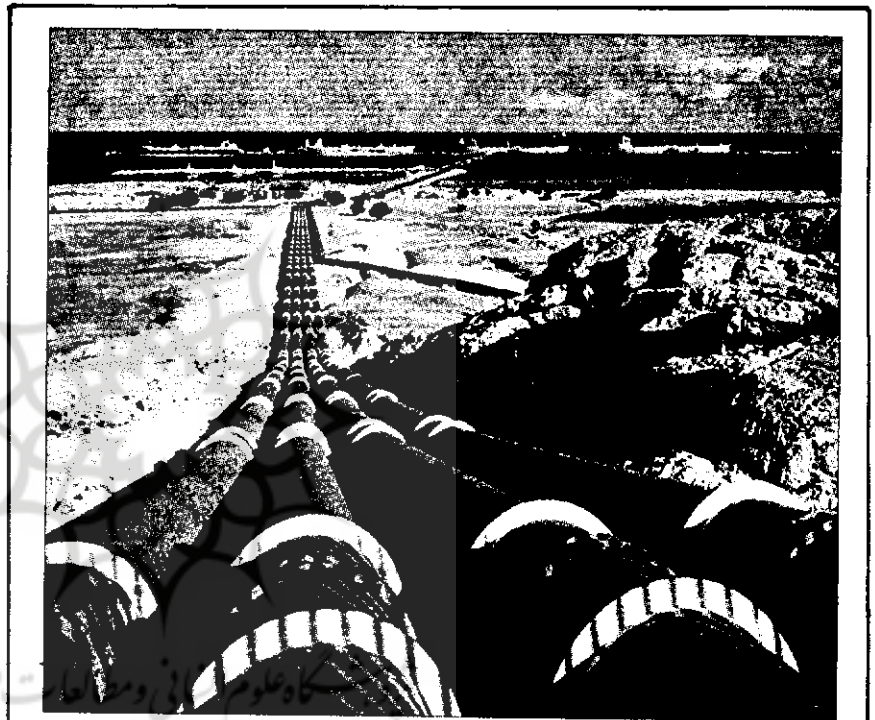
مشروع نباشند.

حال در شرایطی که اشتغال افسانه شده، هزینه‌ها افسار گسیخته به جلو می‌روند، حفظ دارایی به سختی امکان‌پذیر است، شکست اجتناب‌ناپذیر می‌باشد و اخلاق نیز کسب در آمدهای نامشروع را جایز نمی‌داند، آنگاه رابطه آزادی و مالکیت با تورم از یکدیگر گسسته است. برخی از پیروندهای رشوه‌خواری، بهترین سوژه برای تحقیقات اقتصادی بشمار می‌روند و نشان می‌دهند که چگونه مالکیت، هویت یک ملت را زیر سوال برده است (۸). اینجا است که باید به ساماندهی اقتصاد ملی به صورتی منطقی‌تر اندیشید و بر حفظ تعادل میان بازارها - کالا، سرمایه و نیروی کار - تأکید اساسی داشت.

## ابعاد مالکیت

شاید تا هنگام مطرح شدن انقلاب صنعتی، مالکیت بر زمین، ثروت واقعی شمرده می‌شد، اما امروز در شرایط فراصنعتی (Post Industrialization) مالکیت عرصه نامحدودی را شامل می‌شود و از استعداد، انگیزه، خلاقیت، نوآوری و اطلاعات گرفته تا شیوه‌های بکارگیری و عرضه آنها حوزه گسترده‌ای از دارایی‌های انسان را تشکیل می‌دهند. از زمانی که دستمزد از نیروی کار به سوی خلاقیت و شایستگی تغییر مسیر داد و درآمدها فراتر از هزینه‌های اساسی خانواده چون غذا، پوشاک و مسکن را در برگرفت، آنگاه سرمایه‌گذاری بر روی انسان، ابعاد و جهات تازه‌ای یافت و مالکیت در ابعاد جدیدی ظاهر شد. مدیریت سرمایه‌های انسانی نیز دگرگونی وصف‌ناپذیری را در نظام سرمایه‌داری ایجاد نمود.

تفکر فراصنعتی و دستیابی به فن‌آوری اطلاعات، انگیزه‌های شهروندان را به سوی مالکیت در حوزه جغرافیایی گسترده‌تری سوق داد؛ داشتن ویلا در شرق، آپارتمان در غرب، خرید سهام شرکت‌های فراملیتی و نگهداری ارزهای مختلف، مفاهیم جدیدی از قدرت مالکیت بودند که به زندگی خانوادگی مردم راه یافتند. رابطه دولت و مردم نیز بخش کوچکی از رابطه مردم را با دنیای بیرون تشکیل می‌داد. دستیابی به ویزای دائم، شرکت در تجارت جهانی و یادگیری فرهنگ‌های مختلف جزو برنامه‌های عادی مردم شد. در این شرایط، مالکیت انعطاف‌پذیری گسترده‌ای را در خود ایجاد کرد و دیگر شعارهای سیاسی همچون «ایران، برای همه» نمی‌توانست هیجانات روحی ناشی از شعار «فرانسه، خانه و کاشانه همه مردم» را مانند سال‌های ۱۷۷۶، احیا نماید (۸). در واقع، آنچه انگیزه‌های مردم را در عصر انقلاب صنعتی بسیج می‌کرد، امروز دیگر نمی‌تواند فضای کارآفرینی را



▲ شرایط کشورهای صنعتی را نمی‌توان با کشورهای در حال توسعه مقایسه کرد، به ویژه اگر کشور در حال توسعه، در زمره کشورهای صادرکننده نفت هم باشد.

و لایه‌هایی از جامعه را به اشکال مختلف از خود دور ساخته است.

رابطه آزادی و مالکیت یک رابطه دو طرفه است؛ همانطور که مالکیت آزادی است، آزادی هم مالکیت است. این رابطه تا آنجا در زندگی افراد مهم است که انسان‌ها برای کسب آن «تبعید» را نیز بپذیرفته‌اند و انقلاب‌ها بر پا کرده‌اند. معمایی حاصل از رابطه آزادی و مالکیت نکته دیگری را مطرح می‌سازد مبنی بر این که فقدان مالکیت، آزادی را ناتمام رها می‌سازد. بر همین اساس، شرایط اقتصادی آنچنان تنظیم می‌شود که افراد قادر به پس‌انداز و کسب دارایی

فلسفی تنها حفظ دارایی نیست، بلکه هر آنچه را که بتوان به شیوه‌ای قانونی به تملک در آورد، شامل می‌شود. در این چارچوب، تورم وارداتی در درازمدت امتیاز برخوردار از مالکیت را در شرایط امروزه جامعه جهانی تضعیف می‌نماید.

نگاهی به شرایط اقتصادی جامعه ایرانی این واقعیت را منعکس می‌سازد که علیرغم توجهات سنتی در زمینه احترام گذاشتن به مالکیت، عملکرد دولت در سه دهه گذشته، اعتماد مردم را به این حق طبیعی، مورد تردید قرار داده است. این بحران اخلاقی، حد و مرز تعامل منطقی بین طبقات مختلف

برای مسوولیت‌پذیری مردم تدارک ببینند، زیرا جهان‌بینی مردم گسترش یافته و مردم خود را در برابر امواج جدیدی از تحول مورد ارزیابی قرار می‌دهند.

امروز چه الزامات نظم نوین جهانی را بپذیریم و یا در برابر آزادسازی ایستادگی کنیم، حقیقت این است که با توجه به تغییرات دانش فنی، انسان ابعاد نسبی کوچکتری را برای زندگی در کره خاکی قابل است و همین امر حوزه مالکیت وی را گسترش داده است. لذا انسان بر مالکیت غلبه نموده و از مال‌اندوزی انگیزه‌هایی فراتر از قدرت را دنبال می‌کند. این انگیزه‌ها، آزادی، آرامش و رفاه را هم شامل می‌شود. حوزه اقتدار شرکت‌های چندملیتی در امور سیاسی - اقتصادی بر اقتدار برخی حکومت‌ها پیشی گرفته است. به عبارتی، مالکیت در تضمین اقتدار، مرزهای حاکمیت را پشت سر گذاشته است. بهترین مثال هم انگیزه‌های مالکیت بر منابع انرژی در خلیج فارس است که موجودیت حکومت‌های کشورهای منطقه را با پرسش‌های متفاوتی روبرو ساخته است. رییس صندوق بین‌المللی پول معتقد است که در شرایط فعلی، افزایش قیمت نفت به دلیل آشوب‌های خبیانی ونزوئلا و شرایط نظامی عراق با آغاز جنگ کوتاه‌مدت آمریکا و عراق در صورت براندازی رژیم صدام، به رونق اقتصاد جهانی کمک خواهد کرد<sup>(۱۰)</sup>.

### مالکیت و اصلاحات

اصلاحات بدون توجه به پدیده مالکیت، معنی و مفهوم کاربردی ندارد. اصلاحات باید زمینه احترام به مالکیت، رشد مالکیت و ضمانت بازگشت سرمایه‌ها را تضمین کند؛ امروز با وضع نمادین تورم مزمن در جامعه، مفهوم ارزش واقعی دارایی‌های مردم با مطلوبیت و رضایت خاطر مردم از آن همسنگ نیست. روشن نیست که دولت چین چگونه می‌تواند با توجه به نحوه کارآمدی، مؤسسه‌های دولتی را به بخش خصوصی واگذار کند<sup>(۱۱)</sup>. این پدیده در بیشتر کشورها با همین پرسش روبرو بوده است. فقدان سیاست روشن و صریح در خصوص واردات، نبود الگوی گذار به اقتصاد بازار در شرایط انحصاری، با دولت‌های غیرکارآمد، شرایط اصلاحات را برای تغییرات رادیکال سخت و دشوار کرده است. در عصری که بازرگانی دچار تحول عمیق شده است، مدیریت این تغییرات وسیع چندان کار ساده‌ای به نظر نمی‌رسد.

Want ۱۹۹۵ در کتاب Managing Radical Change موضوعاتی را در خصوص صنعت هوایی آمریکا پس از مقررات‌زدایی و انقلاب پیش‌رو - صنعت فن‌آوری اطلاعات - مطرح می‌کند<sup>(۱۲)</sup>. این مبانی اگرچه محیط فراصنعتی آمریکا

را مخاطب قرار می‌دهد، اما این فن‌آوری امروز به کشورهای در حال توسعه نیز راه یافته است.

نکته حایز اهمیت پرداختن به موضوع تغییر ساختار مالکیت پس از این تغییرات بنیادین است. آنچه مسلم است، خصوصی‌سازی با هر نوع کاستی و ترتیبی که دولت‌ها برنامه‌ریزی کرده باشند، به اجرا در می‌آید و امروز نیز نمی‌توانیم آنقدر خوش‌بین یا بدبین باشیم که بدانیم در آینده شرایط تخصیص بهینه منابع به کجا منجر خواهد شد.

نویسنده در بررسی‌های خود به این نتیجه می‌رسد که حتی یک برنامه خصوصی‌سازی ناموفق بهتر از ادامه انحصارهای دولتی در شرایط عدم آزادی و اعمال سیاست‌های تورمی است، زیرا سرانجام دولت از مسوولیت‌های خود در مقابل مردم نمی‌تواند سرباز زند و این هزینه‌ها باید از طریق مالیات بر دارایی‌های بخش خصوصی تأمین شود، لذا بخش خصوصی خود راهکار مناسب برای خروج از این دام را تدارک خواهد دید. ادغام، فروش، توسعه، یا جذب سرمایه‌های انسانی نهایتاً بخش خصوصی را به سمت رقابت سوق خواهد داد، لذا نباید به دلیل نبود راهکارهای لازم

○ هستی یک برنامه خصوصی‌سازی ناموفق، بهتر از ادامه انحصارهای دولتی در شرایط عدم آزادی و اعمال سیاست‌های تورمی است.

برای اجرای خصوصی‌سازی، روند اصلاحات را کند نماییم. در هر صورت، اگرچه مؤسسات دولتی می‌بایست با ارزش واقعی به فروش برسند، اما سرانجام در یک سیکل انتقال دارایی، قیمت‌های نسبی به تدریج به قیمت واقعی نزدیک خواهند شد. آنچه مسلم است، در آینده، بخش خصوصی در برابر تورم مقاومت خواهد کرد، زیرا تعادل بین واردات و صادرات برای وی در اولویت بیشتری قرار خواهد داشت. به عبارتی، نظام پرداخت‌ها با اصلاح نظام قیمت‌ها، جایگاه بخش خصوصی را به ثبات نزدیکتر می‌کند.

### نتیجه‌گیری

فقدان سیاست شفاف در جهت علل پذیرش تورم در یک دوره طولانی مدت، دو اثر شدید را بر کل ساختار نظام اجتماعی تحمیل کرده که هر یک نسبت به دیگری توان انفجاری غیرقابل‌انتظاری را به دنبال دارد. این دو پدیده، مالکیت و آزادی هستند که هر فردی در هر شرایطی یا در جهت کسب و یا در جهت حفظ آن تلاش و صف‌ناپذیری را نشان می‌دهد.

تورم، به عنوان یک پدیده اقتصادی، با آثار مثبت و منفی اجتماعی - اقتصادی، در شرایطی نمی‌تواند هماهنگی لازم را بین آزادی و مالکیت برقرار سازد.

امروز مسرووعیت مالکیت با سیاست‌های پولی مورد پرسش قرار می‌گیرد و نظام بانکداری مستقل از دولت می‌بایست پاسخگوی فرار سرمایه‌ها باشد. سرمایه‌های کوچک در شرایط رقابتی، در تنگنای تضادها به بیراهه می‌روند و شکاف نرخ بهره در بازارهای پول و سرمایه نمی‌تواند حمایت لازم را نسبت به مالکیت، خصوصی مردم نشان دهد.

پیوند آزادی و مالکیت، روند اصلاحات را کند و در مواردی سیاست‌های نوسازی جامعه را با علامت سوال روبرو کرده است. بنابراین، در شرایط روبرویی با جهان فراصنعتی، حوزه سیاستگذاری پولی نیازمند بازنگری اساسی است و استقلال آن ممکن است این معضل را از میان بردارد و دولت را به شرایط مطلوب ساختاری نزدیک سازد.

### منابع

- 1) Pearce, David, W./ 1986/ Mac Millan Dictionary of Economic/ P. 202.
- 2) روزنامه همشهری / ۵ آذر ۱۳۸۱ / ترجمه گزارش بنیاد بین‌المللی هریتج.
- 3) Parkin, Michael/ 1994/ Economics/ Addison-Wesley Pub. Co./ P. 748.
- 4) مراجعه شود به Parkin به صفحه ۶۲۶
- 5) برای توضیح بیشتر مراجعه شود به Parkin صفحات ۸-۹۳۷.
- 6) دیدگاه‌های کارشناسی کارگاه‌های کوچک صنعتی / وزارت صنایع / تهران / ۱۳۸۱.
- 7) Hafstadter, R./ 1942/ The American Political Tradition/ New York/ Vintage Book/ P.23.
- 8) پرونده رشوه‌دهی جزایری / تهران / ۱۳۸۱ / دایره مفاسد اقتصادی / قوه قضاییه.
- 9) Burdeau, Georges/ Le Liberalisme/ چاپ اول / ترجمه احمدی، عبدالوهاب / تهران / ۱۳۷۸.
- 10) روزنامه رسمی ایران - اخبار / ۱۵ دیماه ۱۳۸۱.
- 11) گریفین، کیت / ۱۳۷۸ / مروری بر جهانی شدن و گذر اقتصادی / ترجمه فرزین، محمدرضا / انتشارات سازمان برنامه و بودجه / صفحه ۲۲۶.
- 12) Want, Jerome H./ 1995/ Managing Radical Change - Beyond Survival in the New Business Age.